

# صومعه نشینی و گسترش آن در اروپا

صومعه نشینی که نخست در میان مسیحیان اسکندریه و دلتای رود نیل پیدا شده و در حدود یک قرن پیش از تجزیه امپراطوری رم سراسر سمت شرقی آن را فرا گرفته بود تا آن زمان بسرزمین ایتالیا و قسمت غربی امپراطوری رم راه نیافته بود؛ ولی از آن پس اندک اندک و بطور پراکنده، همچون گیاهی که تخم آن بر اثر باد به این سوی و آن سوی پراکنده شود، بفریب امپراطوری رم راه یافت. نخستین کسی که در شناساندن پدیده صومعه نشینی در غرب کوشید، آتاناسیوس. Athansius (۱) بود که دوبار از پنج بار تبعیدی خود را در غرب امپراطوری رم بسربرد. یکبار از سال ۳۳۵ تا ۳۳۷ در تریر Trier (۲) که در آلمان مرکز فرمانروایی امپراطوری غربی بود، بار دوم در رم (۳۳۹-۳۴۶).

او بهر جا که قدم می گذاشت صومعه نشینی مصر را می ستود، زیرا در آن روزگار اکثر ساکنین اسکندریه و دلتای رود نیل مسیحی بودند و آب و هوای پیرامون غیر مسکونی این نواحی گذران عمر را با تغذیه اندک درزاغه ها یا کلبه های ساده و ابتدائی ممکن می ساخت و اینها شرایطی بودند که نخست تشکیل گروه های ریاضت کش و تنگ دست و آنگاه پیدایش راهبان و شیوه زندگی صومعه ای را در آن نواحی فراهم کردند.

اثر آتاناسیوس بنام « زندگی آنتونیوس قدیس » (۳) در زمان خود او بعنوان یکی از آثار برجسته ادبیات مسیحی شناخته شد .

در رم هیرونیموس Hieronymus (۴) منشی مخصوص پاپ که به زندگی صومعه نشینی دلبستگی خاصی داشت بترویج افکار راهبان همت گماشت؛ و در تری ار با احتمال زیاد آتاناسیوس تا حد توانائی از انجام هیچ کاری کوتاهی نکرد و در میلان نیز اسقف امبروسیوس Ambrosius (۵) نخستین صومعه را بنا نهاد .

از آن پس صومعه نشینی بطرزی برق آسا در سواحل شمالی دریای مدیترانه گسترش یافت .

در پایان سده چهارم اسقف شهر تور Tours ، مارتین Martin ( سال وفات ۳۹۷ ) ، نخست در نزدیکی شهر بوآتیه سپس در سواحل رودخانه لوآر گروهی از گوشه نشینان را گرد هم آورد و برای آنان صومعه ای بنا نهاد . از این زمان بپس صومعه نشینی در اندک زمانی در قسمت مرکزی و غربی سرزمین گل گسترش پیدا کرد و از آنجا مانند چرقای به جزایر بریتانیا پرتاب شد و میان سالهای ۵۴۰ و ۶۰۰ بویژه در ایرلند جای پائی برای خود پیدا کرد ، حتی در کلیسا و میان مردم نیز اعتباری بدست آورد . در ایرلند که آن زمان ساختمان اجتماعیش بر اساس جامعه قبیله ای بود و مردم تازه بدین مسیح در آمده بودند ، صومعه نشینی ریشه دوآنید و مردم تازه مسیحی شده را شیفته خود ساخت . در آنجا اگر شاه یا ریش سفید قبیله و قوم مسیحی می شد بکیش راهبی هم در می آمد . در نتیجه همه قبیله نیز به پیروی از او راهب میشدند . در یک جامعه بزرگ راهبان ، که گاهی از دو تا سه هزار تن تجاوز می کرد شاه غالباً سمت ریاست صومعه را نیز داشت .

صومعه نشینی در ایرلند در دوره شکوفائی خود دارای مقررات و نظام بسیار سختی بود که روزه گرفتن و در آب سرد فرو رفتن جزئی از آن بود . در این زمان هنر مورد توجه خاص قرار گرفت و بصورت نقاشی در صومعه ها و کار روی فلزات در خدمت صومعه ها در آمد .

گرچه راهبان ایرلندی با پیش کسوتان مصری خود وجوه مشترکی داشتند و زندگی آنان را نیز سرمشق خود قرار داده بودند ، با اینهمه روح ایرلندی با خصوصیات مسیحیان مصر آن زمان بسیار متفاوت بود . راهبی از ایرلند خانه خود را چنین توصیف می کند :

« من در جنگل کلبه‌ای دارم که آن را هیچ کس جز خدا نمی‌شناسد :  
 يك دیوارش درخت زبان گنجشک است ، دیوار دیگرش برگهای درخت فندق ؛  
 و درش از سرخس . . . پیرامون آن را جنگل فرا گرفته که غذای خوکها  
 را می‌دهد .

این کلبه یکی از کوچکترین کلبه‌هاست ، مأوائی است در نقطه دور افتاده  
 يك زن ، یعنی يك پرنده ( ماده ) ، يك ترقه سیاه و قشنگ که آوای خوش  
 سر می‌دهد . ( ۶ ) ،

صومعه نشینان ایرلندی دلبستگی بسیاری بسياحت داشتند که از این طریق  
 ایمان مسیحی و شیوه زندگی صومعه‌ای را بر زمینهای دیگر می‌بردند . اینان  
 به ایسلند ، اسکاتلند غربی ، به بریتانیا و اروپای مرکزی تا به  
 رگنزبورگ و وین سفر کردند و فرهنگ و شیوه زندگی خود را بدانجاها آوردند  
 و در این مورد شواهدی نیز از قبیل دستنویسها ، نقاشی‌هایی در کتاب -  
 خانه‌ها و موزه‌های اروپا در دست است .

همین راهبان ایرلندی بودند که تقریباً صدسال پیش از شارل بزرگ  
 ( در حوالی سال ۷۰۰ ) به ایالات آلمان آمدند و با وجود نواقصی که در کار  
 آنان مشاهده میشد ، موجب تشکیل نطفه اصلی مسیحیت در آلمان شدند ، و  
 شارل بزرگ نیز این صومعه‌ها را پایگاه‌های مناسبی برای پیشبرد کوششهای  
 فرهنگی‌اش دانست و به منظور گسترش مسیحیت و صومعه‌ها دست بساختن صومعه  
 و بناهای دینی نوینی زد .

کولومبانوس Columbanus ( ۶۱۵ - ۵۴۰ ) یکی از آن راهبان  
 ایرلندی مشهوری است که به سیر و سیاحت می‌پرداخت . وی زادگاهش را ترک  
 کرد و بار سفر بست و پس از بیست سال سفر ماجراجویانه به منطقه پیرامون  
 رودخانه راین و کوههای آلپ رفت . کولومبوس از خود آئین‌نامه‌ای بجا  
 گذاشت که سخت تر از نظام صومعه نشینی حوزه دریای مدیترانه آن زمان از  
 لحاظ انضباط - بویژه روزه گرفتن و روا داشتن رنج و شکنجه بخود - بود .  
 اما نه تنها آئین‌نامه ، بلکه رئیس صومعه نیز بر حسب برداشتی که از صومعه  
 نشینی داشت - نقش مؤثری را از نظر شیوه زندگی راهبی داشت . در صومعه -  
 هائی که توسط او بنیانگذاری شده ، و یا زیر نفوذ او بودند ، اراده رئیس  
 صومعه عامل مؤثری بود که زندگی صومعه‌ای از آن شکل میگرفت . مقام و  
 اعتبار او سبب شد که شیوه زندگی و اصول صومعه‌ای او بگونه‌ای باورنکردنی  
 در سراسر فرانسه و هلند کنونی گسترش یابد .

در این زمان تعداد گوشه نشینان و صومعه‌های کوچک در ایتالیا نیز رو به فزونی نهاد. در آن سرزمین برخلاف ایرلندسازمان، پیش کسوت برجسته یا آئین‌نامه معینی وجود نداشت. با احتمال زیاد بیشتر صومعه‌ها ترجمه لاتین آئین‌نامه‌های هیرونیموس، پخومیوس **Pachomius** (۷ و نیز دواثر بزرگ کاسیانوس **Cassianus**) ۸ را در اختیار داشتند. ولی بطور کلی رئیس صومعه در حوزه کار خود دارای نقش شکل دهنده و قدرت و خودمختاری بود.

یکی از آثار مهم صومعه نشینی « آئین نامه پیردیر » **Regula (Magistri)** است. این اثر ما را بصومعه کوچکی با دوازده راهب و یک رئیس صومعه می‌برد که برنامه روزانه آن عبادت خدا، کار و قرائت کتاب آسمانی است. این صومعه دارای یک خوابگاه مشترک است که در آن تختخواب رئیس صومعه در وسط خوابگاه قرار دارد با یک اطاق غذا خوری مشترک که جای رئیس صومعه مشخص شده است. بندیکت قدیس و بنیانگذار صومعه بندیکتی و مهمترین نام در رهبانیت غربی در یک چنین صومعه‌ای زندگی می‌کرد. بندیکت فن نورسیا **Benedikt von Nursia** (۴۸۰-۵۴۷)

راهب ایتالیایی، بنیانگذار فرقه بندیکتیان، در سابیاکو زاهد شد، و راهبان بدورش گرد آمدند. بعدها نخستین صومعه بندیکتی را در مونته کاسینو تأسیس، و نظام بندیکتی را که اساس رهبانیت غربی است، ایجاد کرد. وی هم در قرون وسطای پسین و هم در عصر جدید توسط مورخان و راهبان بعنوان پیشوا و بنیانگذار صومعه نشینی مغرب زمینی شناخته شده است و در زمان حیات خود فقط سمت ریاست صومعه را در یکی از صومعه‌های ایتالیا داشت، و حتی هنگامی که بر اثر معجزات خود مشهور و مقدس شد، این سمت را رها نساخت؛ و در امور کلیسا نیز دخالتی نکرد و تنها یک آئین نامه مختصر او بود که نام او را در تاریخ جاودان نگاهداشت.

نظام بندیکتی از سده هشتم در اروپا سرعت گسترش یافت و هر صومعه‌ای در منطقه خود نقش فرهنگی را بهمهده داشت و سبب گسترش نیز تنها مبوط به ارزش ذاتی آن بود. گرچه بیشتر مواد آن از آئین نامه‌های دیگر گرفته شده بود، ولی در نظام بندیکتی چیزی نهفته بود که در سراسر اروپای غربی معروف شد و امروزه هم پیروان زیادی در سراسر دنیا دارد. نظام بندیکت معروفیت خود را مدیون سه ویژگی است:

۱ - این نظامنامه بسیار ساده است و بکارآمدن نیائی می آید . برخلاف « آئین نامه پیردیر » که مفصل و نامنظم است ، آئین نامه بندیکت کوتاه است ، و برخلاف آئین نامه های آن زمان که فقط به نکاتی از زندگی صومعه ای اشاره می کنند ، آئین نامه او دستور العملی است جامع درباره صومعه نشینی و پاسخ به همه مسائل مربوط به آن .

۲ - گرچه این آئین نامه از برخی جهات سخت گیر است ، ولی بطور کلی ملایمتر و با آب و هوای مغرب زمین قابل انطباق تر است ؛ و بیشتر بنوع دوستی و یک زندگی ساده که در جامعه راهبان توأم با هماهنگی باشد اهمیت میدهد تا به افراط در ریاضت کشی و کوششهای فردی در راه رسیدن به کمال .

۳ - آئین نامه بندیکت بحکمت معنوی و دنیوی هر دو تکیه میکند که همه آن در چند ماده خلاصه شده و راهنمایی است برای رئیس صومعه و صومعه نشینان در همه مسائل مربوط به آنان . صومعه بندیکتی نه جائی برای رنج و شکنجه دادن بخود و نه مکتبی است برای ریاضت ، بلکه کانون خانواده ایست برای کسانی که در جستجوی خدا هستند .

در اینجا برای شناخت بیشتر این فرقه قسمتهائی از آئین نامه آنرا نقل می کنیم .

فصل ۳ و ۵۴ ( درباره رئیس صومعه ) : « رئیس صومعه باید همیشه در نظر داشته باشد که او چه کسی است و چرا عنوان « پیر » با او اطلاق میشود ، و باید بداند به آنکس که مسئولیت داده میشود ، انتظار بیشتری نیز از او طلب میشود . او باید بداند که چه مسئولیت سخت و دشواری را پذیرفته است ، یعنی هدایت روحها و انطباق خود با دیگران را ؛ یکی را باید تشویق کند ، دیگری را سرزنش و آن دیگری را مجاب . . . بویژه آنکه توجه او نباید مغلوب به چیزهای سطحی این دنیا بشود ، بقسمی که از نجات روحهائی که بدست او سپرده شده اند غافل شود ، بلکه بیشتر باید پیش چشم داشته باشد که او موظف به هدایت روحهاست و از این بابت باید حساب پس بدهد .

او باید توجه داشته باشد که مورد علاقه دیگران واقع شود ، نه اینکه ترس و وحشت را در دیگران نسبت بخود برانگیزد ، او نباید خشن ، حریص ، حسود یا بدبین و لجباز باشد و یا میل به تحکم داشته باشد ، زیرا در اینصورت هرگز آرامش نخواهد داشت . . . رفتار او باید طوری باشد که مردنیر و مند از او پیروی کند و مرد ضعیف از او نهراسد . »

فصل ۴۰ (اندازه درست در نوشیدن) : خداوند بهر کس استعدادی عطا فرموده است ، بیکی این استعداد را و به دیگری استعدادی دیگر را . بهمین جهت ما در تعیین اندازه شراب نوشیدن برای دیگران در می مانیم . با این همه معتقدیم که روزانه یک چهارم لیتر شراب برای هر کس بسنده است اما به آنکس که خداوند استعداد خودداری از نوشیدن شراب را داده است باید بداند که اجزش را خواهد گرفت ؛ و چنانچه موقعیت محل ، کار و گرمای تابستان بیش از آن (یک چهارم لیتر شراب) را ضروری بدارد ، در اینصورت رئیس صومعه باید تصمیم بگیرد ، ولی باید مراقب باشد که بیش از آن اندازه افراط و یا مستی را با خود به همراه نیاورد . . . بهر حال در نوشیدن شراب باید اندازه نگهداشت و زیاده روی نکرد .

فصل ۵۲ ( درباره عبادتگاه صومعه) : عبادتگاه باید آنچنان باشد که از نام آن بر می آید . یعنی (مکانی برای عبادت) ؛ هیچ کاری نباید در آنجا انجام گردد . هنگامی که عبادت پایان می یابد همه باید با سکوت عمیق و احساس گناه و نهایت احترام در برابر خدا از آن مکان بیرون آیند . تا اینکه اگر راهبی میل بعبادت در تنهایی را داشت ، ناراحت نشود ؛ و اگر هر زمان هر کسی میل بعبادت در تنهایی را داشته باشد ، نباید مانع این کار شد ؛ او نباید با صدای بلند ، بلکه باید از ته قلب و آماده برای کفاره دادن بعبادت پردازد .

فصل ۳۶ ( درباره بیماران) : مراقبت از بیمار باید نسبت به امور دیگر در درجه اول اهمیت قرار گیرد ؛ مراقبت از آنان باید از هر لحاظ مانند مراقبت و پرستاری از عیسی مسیح باشد ، زیرا آن حضرت خود میفرماید :  
« من بیمار بودم ، و شما بملاقات من آمدید . »

و در جای دیگر : « آنچه شما برای بیماری حقیر انجام دهید . مانند آن است که برای من انجام داده باشید . »

از د آئین نامه پیردیر ، و آیین نامه بندیکت ، برنامه روزانه یک صومعه ایتالیائی در سده ششم بر ما معلوم است . صومعه ساختمان نسبتاً کوچکی است از سنگ و آجر که پیرامونش را ساختمان های اداری فرا گرفته ، ساختمانها یک طبقه بوده ، و اطاق خواب و غذاخوری و همچنین عبادتگاه بیش از پانزده نفر گنجایش ندارد ، در عبادتگاه و آلتار ، نیمکت یا صندلی چوبی قرار دارد . آشپزخانه ، محل سکونت داوطلبان راهبی و ساختمان مهمانان یا جدا و یا متصل به ساختمان اصلی هستند . سالن کار و مطالعه نیز وجود دارد .

اوقات عبادت به ترتیب زیر بود : نماز شب حدود ساعت دو بعد از نیمه شب ، عبادت طلوع صبح ، عبادت ۶ صبح ، و آنگاه هر سه ساعت یکبار تا غروب آفتاب که عبادت عصر انجام می گرفت ؛ و پس از صرف شام آثار کاسیانوس قرائت می شد .

در تابستان از عید پاک تا اواسط سپتامبر ، و در تمام روزهای یکشنبه فقط دوبار غذا صرف می شد : ظهر و ساعت ۶ شب . در زمستان و ایام روزه گیری فقط یکبار در روز غذا داده می شد : غروبها اندکی نان و نوشیدنی . در فواصل عبادتها قرائت کتاب آسمانی ، و یا کارهای خانه داری و پیشه وری انجام می گرفت .

این جامعه کوچک در حقیقت مانند یک خانواده مسیحی بود که بجز صومعه به چیزهای دیگری که بیرون از آن رخ می داد ، دلبستگی نداشت . بدینسان نظام صومعه ای بندیکت که در حدود سال ۸۰۰ تنها نظام معتبر و پذیرفته شده صومعه ای بود ، سراسر اروپا ، بویژه اروپای غربی را فرا گرفت ، و شارل بزرگ نیز کوشید این نظام بندیکتی را بعنوان تنها نظام صومعه ای در سراسر امپراطوری بزرگ خود به همگان بقبولاند . بدیهی است که صومعه بندیکتی بر اثر گذشت زمان تغییرات بسیاری کرده ، و نمی توان آنرا با صومعه بندیکتی امروزی در اروپا و امریکا مقایسه کرد .

در تهیه این مقاله از کتابهای زیر استفاده شده است

1. David Knowles : Geschichte des Christlichen Monchtums Kindler Verlag
- 2 . St . Hilpisch : Geschichte des benediktinischen Monchtums Verlag ؛
- 3 . K . Henssi : Der Ursprung des Monchtums Tubingen 1936
- 4 . Der grosse Brockhaus in zwolf Baenden Wiesbaden 1953

۵- برتراند راسل : تاریخ فلسفه غرب ، کتاب دوم - فصل ششم ، بندیکت قدیس .

## پاورقی :

- ۱ - وی بعدها اسقف اعظم اسکندریه شد و کتابی هم در شرح حال آنتونیوس قدیس برشته تحریر در آورد . وی در سال ۳۷۳ درگذشت .
- ۲ - این شهر امروزه در استان راین لاند پفالتس آلمان قرار دارد ، و در حدود ۱۵ سال پیش از میلاد مسیح توسط آگوست بنامد و در سالهای ۴۰۰-۲۸۵ پایتخت امپراطوری رم غربی بود .
- ۳ - آنتونیوس در بیست سالگی راهب شد و درسی و پنج سالگی بکلی منزوی گردید ، بنا بر روایات ، شیطان انواع حیلها را بر انگیخت تا او را منحرف سازد ، ولی موفق نشد . گروهی از راهبان دور او گرد آمدند و بنفرمان او در آمدند . پس از چند سالی بصحرائی نزدیک طیوه روی آورد و بقیه عمر دراز خود را اغلب در آنجا گذراند .
- ۴ - سال ۳۴۵ چشم به جهان گشود ، در سوریه گوشه نشینی آغاز کرد و سپس رئیس صومعه شد و در پیشبرد صومعه نشینی از هیچ اقدامی کوتاهی نکرد . سال ۴۲۰ در بیت المقدس درگذشت .
- ۵ - وی در سال ۳۷۳ اسقف میلان بود و در سال ۳۹۷ میلادی درگذشت .
- ۶ - ریک David Knowles ص ۳۲
- ۷ - (۲۸۶-۳۴۶) ، در جوانی بدین مسیح درآمد و گوشه نشینی آغاز کرد ؛ و از خود نظام صومعه ای مدون و معتبری بجای گذاشت .
- ۸ - وی ۱۲ جلد کتاب و ۲۴ رساله در باب زندگی راهبی و صومعه نشینی نگاشت که برای شناخت راهبان مسیحی در مصر بی اندازه مهم است .
- ۹ - ریک David Knowles ص ۲۵/۶

